

بررسی پتانسیل آنومی و زمینه‌های بروز آن در شهر کرمانشاه

فیروز امجدیان*

E-mail: ghazal036@yahoo.com

چکیده:

مسأله‌ی اصلی این پژوهش، بررسی میزان پتانسیل و زمینه‌های بروز آنومی (آشفتگی اجتماعی) در شهر کرمانشاه است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش، شامل کلیه‌ی مردان سرپرست خانوار ساکن در محلات شهر کرمانشاه است. حجم نمونه ۴۰۰ نفر تعیین گردید که با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای بوده است. شیوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که: ۱- بیش‌ترین میزان آنومی (عدم رعایت هنجارها) در شهر کرمانشاه، هنجارهای رسمی و پس از آن هنجارهای نیمه‌رسمی است و هنجارهای غیررسمی دارای کم‌ترین میزان آنومی هستند. ۲- میزان تمایل به رفتار آنومیک در بین پاسخ‌گویان در حد متوسطی قرار دارد. ۳- اغلب متغیرهای مربوط به شرایط آنومی که بر مبنای چارچوب تئوریک مورد مطالعه قرار گرفتند، رابطه‌شان با یکدیگر و با رفتار آنومیک مورد تأیید قرار گرفت. ابتدا، ارزیابی ذهنی از «وضعیت اقتصادی» بر روی سه متغیر کلیدی (هدف، تحمل وضعیت و امید به آینده) تأثیر می‌گذارد. این سه متغیر اخیر، به نوبه‌ی خود بر روی کاهش اعتماد اجتماعی و کاهش ملاحظات اجتماعی تأثیر دارند. هم‌چنین کاهش اعتماد و ملاحظات در کنار عوامل دیگر، بر روی برخی گویه‌های رفتار آنومیک اثر می‌گذارند. تأثیر پای‌بندی‌های مذهبی در افزایش اعتماد اجتماعی و کاهش تمایل به آنومی محرز گردید. عدم کارکرد مناسب سیستم کنترل پلیس و دستگاه قضایی موجب کاهش اعتماد اجتماعی و افزایش تمایل به آنومی در جامعه می‌شود. احساس وجود نابرابری اقتصادی و اجتماعی موجب کاهش اعتماد اجتماعی و افزایش تمایل به رفتار آنومیک می‌شود.

واژگان کلیدی: آنومی، انحرافات اجتماعی، هنجارهای رسمی، هنجارهای

نیمه‌رسمی، هنجارهای غیررسمی، دستیابی به هدف، تحمل وضعیت، امید به آینده، اعتماد اجتماعی

مقدمه

اغلب افراد جامعه که در زندگی روزمره خود با مردم و سازمان‌های دولتی سروکار دارند، متوجه شده‌اند که بسیاری از قوانین، قواعد و دستورات، هم در بین مردم و هم در سازمان‌های دولتی رعایت نمی‌شود. به عبارت دیگر کم‌وبیش، نوعی بی‌نظمی در بخش‌هایی از جامعه به چشم می‌خورد. این وضعیت را جامعه‌شناسان «آنومی»^۱ نامیده‌اند که از نظر لغوی فقدان هنجارها یا قوانین را می‌رساند (بیرو ۱۳۶۶).

نظریه‌ی آنومی، رفتار انحرافی را پدیده‌ای ناشی از گسستگی اجتماعی، عدم توافق درباره‌ی هنجارها و عدم یگانگی اجتماعی می‌داند.

برای تشریح مفهوم آنومی لازم است اصطلاح «هنجار»^۲ تعریف شود. هنجارها قواعد رفتار هستند؛ قواعدی که مشخص می‌کنند در یک گروه یا در یک موقعیت چه رفتاری لازم و پذیرفتنی است.

رفیع‌پور (۱۳۷۸)، ابعاد نابهنجاری را در کشورهای در حال توسعه، بسیار گسترده و غیرقابل مقایسه با شرایط کشورهای غربی می‌داند. وی درباره‌ی شرایط ایران برای گسترش رفتارهای نابهنجار می‌نویسد: به نظرمی‌رسد بتوان در شرایط ایران حداقل رفتارهای بهنجار و نابهنجار را در افراد و اعضای جامعه تشخیص داد. بر این اساس، می‌توان تقسیم‌بندی دیگری از هنجارها را با توجه به مشاهدات در کشورهای در حال توسعه و ایران در نظر گرفت؛ یعنی، همان‌طور که رفیع‌پور نتیجه می‌گیرد بتوان - به‌طور فرضیه‌ای - بین پیروی از هنجارهای رسمی و پیروی از هنجارهای غیررسمی فرق نهاد. منظور از هنجارهای رسمی، هنجارها و قواعدی هستند که از طرف دولت تعیین می‌شوند و در نتیجه مردم برای ارضای نیازهای‌شان با سازمان‌های دولتی سروکار دارند و تابع قواعد آن سازمان‌ها می‌باشند. هنجارهای غیررسمی، هنجارهایی هستند که مردم، خود، برای روابط اجتماعی‌شان تنظیم کرده‌اند. این قواعد یا از قدیم وجود داشته است یا در زمان کنونی خودبه‌خود (به‌طور خودجوش) به‌وجود آمده است. در این بین، نوع سوم از هنجارها وجود دارد که می‌توان آن‌ها را هنجارهای نیمه‌رسمی نام نهاد. منظور از این هنجارها، هنجارهایی است که در آن مردم مستقیماً با دولت سروکار ندارند؛ بلکه متقابلاً با یکدیگر ارتباط دارند، اما قواعد رابطه بین آن‌ها از طریق دولت تعیین، تنظیم یا نظارت می‌شود، مانند هنجارهای اقتصادی و هنجارها یا قواعد ترافیکی.

1- Anomie

2- Norm

مشاهدات در شهر کرمانشاه نیز، نشان می‌دهد که چنین رفتارهای دوگانه‌ای در بین مردم وجود دارد و این پژوهش بدان منظور انجام گرفت تا با توجه به تقسیم‌بندی ذکرشده‌ی هنجارها در کشورهایی نظیر ایران، به میزان وجود بی‌نظمی در این هنجارها و زمینه‌های بروز آن در رفتار مردم کرمانشاه پی ببریم.

برای پی‌بردن به زمینه‌های بروز آنومی در بین مردم کرمانشاه، به متغیرهایی توجه می‌کنیم که عمدتاً برگرفته از نظریه‌های دورکیم و مرتون می‌باشند و شامل متغیرهای «دستیابی به اهداف»، «تحمل وضعیت»، «امید به آینده»، «اعتماد اجتماعی»، «ملاحظات اجتماعی»، «پای‌بندی‌های مذهبی»، «سیستم کنترل اجتماعی»، «احساس نابرابری اجتماعی و اقتصادی» و خصوصیات پاسخ‌گویان (سن، تحصیلات، اقامت در کرمانشاه، هزینه‌ی اقتصادی، وضعیت اقتصادی، مقایسه‌ی خود با دیگران و رضایت شغلی، خانوادگی و زندگی) هستند.

برای مشخص کردن زمینه‌های بروز آنومی در شهر کرمانشاه به بررسی زمینه‌های بروز آنومی در پاسخ‌گویان پرداخته و به رفتار پاسخ‌گویان توجه کرده‌ایم تا معلوم گردد که - نسبت به شرایطی که دارند - چه قدر به کارهای نابهنجار تمایل دارند. بنابراین، نه فقط لازم است که بدانیم در شهر کرمانشاه به چه میزان آنومی وجود دارد؛ بلکه باید ببینیم که خود پاسخ‌گویان - که شرایط آنومی را در آن‌ها بررسی کرده‌ایم - تا چه اندازه به رفتار آنومیک تمایل دارند. برای گردآوری اطلاعات در زمینه‌های مورد بحث از ابزار پرسشنامه استفاده گردید.

بدین ترتیب پژوهش حاضر در جهت پاسخ به دو مسأله‌ی اصلی انجام گرفت: ۱- پاسخ به این مسأله که میزان آنومی در بین مردم کرمانشاه چه قدر است؟ این قسمت، بخش توصیفی پژوهش را دربرمی‌گیرد و ۲- پاسخ به این مسأله که زمینه‌های بروز رفتار آنومیک در شهر کرمانشاه کدامند؟ این قسمت نیز تا آن‌جا که به بررسی میزان تمایل پاسخ‌گویان به رفتار آنومیک می‌پردازد بخش توصیفی پژوهش حاضر را شامل می‌شود، و آن‌جا که شرایط آنومی را در پاسخ‌گویان بررسی می‌کند، بخش علی پژوهش را دربرمی‌گیرد.

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

چارچوب نظری

دیدگاه‌های مطرح درباره‌ی «آنومی» در سه سطح کلان، متوسط و خرد قابل بررسی است، در سطح خرد، دیدگاه‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی درباره‌ی آنومی مطرح

می‌باشد. ممتاز (۱۳۸۱) و صفوی (۱۳۷۰) در این باره می‌نویسند: در دیدگاه زیست‌شناختی، ویژگی‌های ذاتی و ژنتیکی افراد منحرف، آن‌ها را به سمت انحراف می‌کشاند. دیدگاه‌های روان‌شناختی نیز در سطح خرد به تبیین آنومی می‌پردازند.

در مطالعه‌ی پدیده‌ی آنومی در سطح کلان، دیدگاه‌های صاحب‌نظران جامعه‌شناسی نظیر دورکیم، مرتون و نظریه‌پردازان مکمل دیدگاه مرتون قابل بررسی است. این سطح از بررسی پدیده‌ی آنومی، به نظریه‌های جامعه‌شناسی انحراف اختصاص دارد که به‌جای توجه به فرد، جامعه را مورد توجه قرار می‌دهند.

محوری‌ترین نظریه در سطح کلان درباره‌ی انحرافات اجتماعی از آن مرتون است (رابرتسون، ۱۳۷۲؛ ممتاز، ۱۳۷۱؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸). وی مفهوم آنومی را از دورکیم دریافت کرد و کوشش نمود تا آن را بسط دهد. مرتون می‌خواهد بداند که چه‌گونه مردم برای دستیابی به اهداف موفقیت در جامعه تلاش می‌کنند و این اهداف چه‌گونه به‌وسیله‌ی فرهنگ جامعه مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد. آن‌چه که در بررسی ساختار اجتماعی، برای مرتون حایز اهمیت است، تأکید بر دو بعد اساسی در ساختار اجتماعی است. ممتاز (همان) اشاره می‌کند که مرتون ساخت هنجاری جامعه را ساخت فرهنگی می‌خواند و آن را دارای دو بعد در نظر می‌گیرد: ۱- ساخت فرهنگی که در قالب آن اهداف تعریف شده فرهنگی تعیین می‌شوند. ۲- در قالب این ساخت فرهنگی شیوه‌های قانونی و مجاز که فرد می‌تواند در اختیار بگیرد تا به این اهداف دست یابد، قرار دارند. قدم بعدی در تحلیل مرتون، بررسی میزان دسترسی افراد جامعه به وسایل نیل به اهداف و در نتیجه شرایط سازگاری است که در این موقعیت‌ها از سوی افراد ایجاد می‌شود. رفیع‌پور (همان) درباره‌ی تئوری آنومی مرتون می‌گوید، از نظر مرتون، انحراف در پی تفاوت بین انگیزه‌های اصلی منبعث از فرهنگ و امکانات تحقق این انگیزه‌ها به‌وجود می‌آید، به‌گونه‌ای که این امکانات به قشر افراد وابسته است. وی می‌افزاید، از نظر مرتون، آنومی یک درهم‌شکستگی ساختار فرهنگی است. این وضعیت وقتی پیش می‌آید که بین اهداف و هنجارهای فرهنگی (نیازها و ارزش‌های اجتماعی) و امکانات موجود در بستر هر قشر اجتماعی، تفاوت فاحش وجود داشته باشد. در یک جامعه‌ی پایدار، یک تعادل بین اهداف اجتماعی - فرهنگی و راه‌های پذیرفته‌شده از سوی عامه‌ی مردم برای دستیابی به آن‌ها وجود دارد. آنومی وقتی شروع می‌شود که این رابطه‌ی متعادل، به هم بخورد. اکنون برای آرایه‌ی تصویری روشن از مدل تحلیلی مرتون درباره‌ی صور سازگاری فرد با ساخت هنجاری جامعه، به تشریح جدولی که

وی طراحی نمود می‌پردازیم. همان‌طور که پیش از این اشاره گردید، ساخت اجتماعی از دو بخش تشکیل یافته است: الف - اهداف، ب- وسایل (شیوه‌ها). این جدول نوع انتخاب افراد را در چارچوب ساخت اجتماعی نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که افراد در درون ساخت اجتماعی بر مبنای موقعیت‌هایی که در آن قرار دارند چه نوع پاسخ‌هایی ارائه می‌دهند.

صور سازگاری فرد با ساخت هنجاری جامعه بر مبنای مدل تحلیلی مرتون

نوع	اشکال انطباق	اهداف فرهنگی	وسایل نهادی
۱	همنوایی ^۱	+	+
۲	نوآوری ^۲	+	-
۳	آداب‌پرستی ^۳	-	+
۴	کناره‌گیری ^۴	-	-
۵	انقلاب ^۵	- +	- +

منبع: (کورتز، ۱۹۸۷: ۱۰۸)

چهار نوع از این اشکال انطباق، کجرو به حساب می‌آیند: یعنی تنها نوع اول (همنوایی) کجرو نیست. تنهایی (همان) می‌نویسد نوع اول همان اکثریت منقاد، مطیع و به‌هنجاری هستند که در تمام ابعاد با فرهنگ کلی جامعه همراه، هم‌ساز و مطابق‌اند. نوع دوم (نوآوری)، زمانی پیش می‌آید که مردم هدف‌های فرهنگی را بپذیرند؛ ولی وسایل پذیرفته‌شده برای دستیابی به این هدف‌ها را نپذیرفته باشند؛ کوئن (۱۳۷۰) مثال نوآوری را این‌گونه ذکر می‌کند: دزدان بانک نیز می‌کوشند به همان هدف‌هایی برسند که سایر اعضای جامعه دارند «گردآوری ثروت»؛ اما آنها به‌جای کار شدید در یک شغل متعارف و پس‌انداز ماهیانه، یک شبه می‌خواهند راه چند ساله را طی کنند.

نوع سوم (آداب‌پرستی)؛ یعنی، رها کردن و کم اهمیت تلقی کردن اهداف فرهنگی است و تنها شامل دنبال‌کردن شیوه‌ها و راه‌های قانونی می‌شود. ممتاز (همان) از قول مرتون نقل می‌کند درحالی‌که نوآوری خصلت طبقه‌ی کارگر می‌باشد و شعایر‌گرایی (آداب‌پرستی) خصلت طبقه‌ی متوسط پایین است. از نظر صفوی (۱۳۷۰): مرتون به

1- Conformity
2- Innovation
3- Ritualism

4- Retreatism
5- Rebellion
6- Corthers

این دلیل یک فرد آداب پرست را منحرف می‌داند که این فرد، هدف‌های موفقیت را که بیش‌ترین اعضای جامعه پذیرفته‌اند، مردود می‌داند. مثال آداب پرستی را کوئن (همان) پرستار کشیک در بخش اورژانس یک بیمارستان ذکر می‌کند که به جای فراهم آوردن وسایل درمان فوری یک بیمار، وقت زیادی را صرف تهیه‌ی پرونده پزشکی بیمار می‌کند؛ مرتون این نوع انطباق را مربوط به اشکال گوناگون اجتماعی شدن در طبقات مختلف جامعه می‌داند.

نوع چهارم، به نقل از ممتاز (همان)، شامل گروهی است که در درون جامعه هستند اما بدان تعلق ندارند، به این معنا که در وفاق اجتماعی نسبت به ارزش‌ها شریک نیستند. بعضی بیماران روانی، معتادان، ولگردان، افراد دوره‌گرد و مرتاضان در این گروه قرار می‌گیرند. این نوع، اهداف و ارزش‌ها را رها کرده‌اند. کوئن (همان) برای کناره‌گیری، یک فرد الکلی را مثال می‌زند که خانواده، خانه، شغل، دوستان و سرگرمی‌های دیگرش را رها می‌کند تا همه‌ی عمرش را در تنهایی صرف نوشیدن نوشابه‌های الکلی کند. صفوی (همان)، از نظر مرتون، کناره‌گیری را به پایگاه طبقات اجتماعی ربط نمی‌دهد.

تنهایی (همان) به نقل از مرتون گروه پنجم را افرادی معرفی می‌کند که نظام موجود و اهداف و راه‌های آن را نفی می‌کنند و در پی دستیابی به راه‌ها، اهداف و نظام مطلوب خویش هستند. این گروه، «انقلابیون»، «عصیانگران» یا «شورشیان» هستند. کوئن (همان)، مثال انقلابی را گروه‌های انقلابی و شورشی ذکر می‌کند که در صدد براندازی مهم‌ترین ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه هستند و می‌خواهند طرح نوینی را از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیاده کنند.

نظریه‌ی مرتون با وجود اهمیت بسیار، به برخی عناصر مهم در زنجیره‌ی روابط علی‌انومی بی‌اعتنا باقی می‌ماند. برای توجه به این امر مهم، دو نظریه‌ی «نیازها» و «فساد» توسط رفیع‌پور (۱۳۷۸) معرفی می‌شود. در بحث نیازها گفته می‌شود که نظام آفرینش به‌طور فطری پایه‌ی انواع نیازها را در انسان بنا نهاده است و آدمی از طریق کوشش در جهت ارضای نیازها در جهت بندگی خالق هستی، حرکت می‌کند. معتبرترین نظریه درباره‌ی دسته‌بندی نیازها، نظریه‌ی «مازلو» است که نیازها را به پنج دسته تقسیم می‌کند. در نظریه‌ی نیازها، نشان داده می‌شود که ابزار ارضای نیازهای فطری در هر جامعه و شرایط فرهنگی اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد. در جوامع سنتی، نیازها به شیوه‌ی سنتی ارضا می‌شوند و از پویایی اندکی برخوردارند. در این جوامع مردم به آنچه که دارند راضی هستند و تعادل نسبتاً قوی و پایداری بر جامعه حاکم است. در

جوامع مدرن، پدیده‌های جدید به‌طور تدریجی و به اقتضای مسایل و مشکلات و نیازهای آن ابداع می‌شوند و این موضوع به مردم این جوامع امکان تهیه ابزار جدید ارضای نیاز را می‌دهد و بدین ترتیب احساس نارضایتی از وضع موجود کم است و اگر احساس نارضایتی به‌وجود آید عموماً در حد قابل کنترل می‌باشد. در جوامع جهان سوم، وضعیت به‌گونه‌ی دیگری است، در این جوامع، پدیده‌های جدید با روش‌های مختلف از خارج وارد می‌شوند، مثلاً: ورود یک محصول جدید به این کشورها که شکل‌گیری و فرایند تولید آن در کشور صنعتی، زمان زیادی برده است موجب تغییراتی ناگهانی در نظام اجتماعی کشور هدف می‌شود؛ به‌طوری که کارکنان بخش‌های تولیدی به مشاغل کاذب روی می‌آورند؛ قواعد و ارزش‌های جامعه - که مردم به آن عادت داشتند - تغییر می‌کند و انسان‌ها وارد یک وضعیت جدید با قواعد جدید می‌شوند؛ در این جوامع، انسان‌ها از نظر اجتماعی ریشه‌کن می‌شوند و پای‌بندی‌های اجتماعی خود را از دست می‌دهند.

پس از نظریه‌ی «نیاز»، نظریه‌ی «فساد» معرفی می‌شود. در نظریه‌ی فساد (به نقل از رفیع‌پور، همان)، به دو عامل مهم که موجب روی آوردن انسان‌ها به‌طور نامشروع ارضای نیاز می‌شود توجه شده است: یکی کاهش کنترل درونی و دیگری کاهش کنترل بیرونی. در سیستم کنترل درونی، مهم‌ترین عامل، مذهب به حساب می‌آید. اگر پای‌بندی‌های مذهبی اعضای یک جامعه قوی باشد، انسان‌ها کم‌تر به‌سوی کارهای نامشروع خواهند رفت، در سیستم کنترل بیرونی نیز هر چه مجازات‌ها بیش‌تر باشد و هر چه احتمال کنترل و کشف رفتار انحرافی بیش‌تر باشد، احتمال رفتار انحرافی کاهش می‌یابد. متغیرهای مهم دیگری که در نظریه‌ی فساد مطرح می‌گردد، عبارتند از: متغیر «کاهش ملاحظات اجتماعی» که به معنی گسترش فردگرایی در جامعه و غلبه بر جمع‌گرایی می‌باشد. برای تبیین انحراف در بین اقشار بالای جامعه و جوامعی نظیر ایران، دو متغیر: «احساس بی‌عدالتی نسبی» و «هنجار شدن کارهای نامشروع» مورد توجه قرار می‌گیرد. «احساس بی‌عدالتی نسبی» وقتی است که مثلاً در یک جامعه، مسئولین یا اشخاص ثروتمند، در اثر کاهش کنترل بیرونی و کاهش کنترل درونی در جامعه، دارای روحیه‌ی سودجویی و شرکت در مسابقات مادی می‌شوند تا حدی که انسان‌ها در پی مقایسه‌ی خود با دیگران همواره می‌کوشند تا نه‌تنها از دیگران عقب نمانند؛ بلکه از آن‌ها جلو بزنند. این شرایط می‌تواند تبیین‌کننده‌ی بسیاری از سوءاستفاده‌های مالی کلان در جوامع باشد. «هنجار شدن کارهای نامشروع» نیز بدان معنی است که در جامعه، کارهای خلاف زیاد می‌شود و به‌تدریج، این کارهای خلاف

از حالت «ناهنجار» بیرون آمده و عادی یا «هنجار» می‌شوند و مردم به آن عادت می‌کنند. در این وضعیت، «قبیح بودن» کار خلاف از بین می‌رود و تغییرات ارزشی در جامعه به‌طور آرام و تدریجی فضا را پر می‌کند و در جامعه فساد و انحراف آن قدر گسترش می‌یابد که ریشه‌های نظام اجتماعی را می‌خشکاند.

نظریه‌های آنومی در سطح متوسط، به بررسی آنومی در بین گروه‌های اجتماعی می‌پردازند (رفیع‌پور، همان). در این باره، مهم‌ترین نظریه‌ها را اجمالاً مرور می‌کنیم: نظریه‌ی ساترلند (به نقل از رفیع‌پور و ممتاز، همان) که معتقد به آموزش انحرافات در قالب گروه‌های نخستین می‌باشد؛ نظریه‌ی «آلبرت کوهن»، (به نقل از صفوی، همان) که برخلاف نظریه‌ی مرتون - که در بحث انحراف، به واکنش فرد نسبت به پایگاه اجتماعی خود در ساختار طبقاتی توجه می‌کند - به انحراف، به‌عنوان یک واکنش جمعی اعتقاد دارد. «والتر میلر» عقیده دارد، انحراف، نوعی خود نمایی مبالغه‌آمیز است که به روابط فرهنگی خرده‌فرهنگ طبقه‌ی پایین اجتماعی مربوط می‌شود؛ «ریچارد کلوارد و لویداو هیلین» نظریه‌پردازان دیگری هستند که معتقدند مرتون، در بحث انحراف «ساختار فرصت غیرقانونی» را مورد ملاحظه قرار نداده است. مکتب شیکاگو (به نقل از ممتاز، ۱۳۸۱) دیگر دیدگاهی است که در بحث انحراف، به رابطه‌ی میان ارگانیزم و محیط اشاره می‌کند و معتقد است که رفتار انسان را می‌توان بر حسب منطقه‌ی سکونت شهری او تبیین کرد. «دیوید ماتزا» که در بحث انحراف (به نقل از صفوی، همان) برای عمل انسان آزادی عمل و حق انتخاب قایل است و معتقد است که بسیاری از جوانان صرفاً بدون آگاهی از نتیجه‌ی عمل به سمت بزه‌کاری رانده می‌شوند، آنان تعهد واقعی به بزه‌کاری ندارند و فقط با این عمل تفریح می‌کنند. «هوارد بکر» نیز معتقد است که فرد منحرف کسی است که بر حسب انحراف به او زده شده است، رفتار انحرافی، رفتاری است که مردم به آن چنین «برچسبی» می‌زنند، «بکر» به چیزی به‌عنوان رفتار انحرافی اعتقاد ندارد.

پیشینه‌ی تحقیق

الف) سوابق تحقیق در خارج از ایران

پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه‌ی آنومی در کشورهای غربی، عمدتاً در سطح نظریه‌های خرد مطرح می‌باشند که در این جا به برخی از آن‌ها به نقل از رفیع‌پور، (۱۳۷۸) اشاره می‌گردد. پژوهش ماتسودا (۱۹۹۲) به نقش گروه‌های غیررسمی و «دیگران مهم» در رفتار اعضای خود تأکید دارد. هاگان و مک کارتی (۱۹۹۲) به متغیر «وقت‌گذرانی» در سر کوجه با بچه‌محل‌ها به‌عنوان متغیری مهم در انحرافات اشاره

دارند و اصطلاح «سرمایه‌ی تبه‌کاری» را به معنی قرارداداشتن در شبکه‌ی روابط تبه‌کاران در جامعه تعریف می‌نمایند. دیگر محققین هر کدام به متغیرهایی که به زعم آنان در انحرافات اجتماعی مؤثر هستند اشاره می‌کنند که در این قسمت به دلیل اطاله‌ی کلام فقط به نام آن متغیرها اشاره می‌شود. گرانووتر (۱۹۹۲) به متغیر «روابط اجتماعی» در گروه‌ها، لاوب و سامپسون (۱۹۹۱) به متغیر «ترقی در سلسله‌مراتب تبه‌کاری»، ماتسودا (همان) به «منزلت شغلی در مشاغل تبه‌کارانه»، آرنولد و هاگان (۱۹۹۱) به متغیر «زندان به‌عنوان آموزشگاه تبه‌کاری»، هاگان و پالونی (۱۹۹۰) به متغیر «شرایط رشد فرزندان در خانواده»، مسنروکروهن (۱۹۹۰) به متغیرهای «ساختار تأیید خانواده»، «ساختار تأیید مدرسه» و «ارتباط با دوستان منحرف»، هاگان و همکارانش (۱۹۹۵) به متغیرهای «تضعیف کنترل اجتماعی غیررسمی» و «آرزوهای بی‌حد آنومیک»، اسگود و همکارانش (۱۹۶۶) به متغیرهای «انگیزش در وضعیت موجود»، «میزان گذران زمان با هم‌سالان»، «عدم حضور یک شخصیت مقتدر و متنقد» و «زندگی برنامه‌ریزی شده» اشاره دارند.

ب) سوابق تحقیق در ایران

تحقیق درباره‌ی آنومی در ایران به‌طور مستقیم سابقه‌ای جز پژوهش انجام شده با عنوان «پتانسیل آنومی در شهر تهران» توسط دکتر فرامرز رفیع پور در سال ۱۳۷۸ ندارد. در همین باره ممتاز (۱۳۸۱) می‌نویسد: در تحقیقی در شهر تهران دکتر فرامرز رفیع پور به آزمایش نظریه‌ی مرتون می‌پردازد و نشان می‌دهد که ترکیبی از این نظریه با نظریه‌ی محرومیت نسبی و نظریه‌ی نیازها علت انحرافات و کج‌رفتاری در جامعه‌ی تهران است. این تحقیق، از جمله معدود آثاری است که در سطح تجربی در یک کشور در حال توسعه به آزمایش این نظریه پرداخته است. در آن اثر، با استفاده از یک روش نمونه‌گیری جالب، علل ارتکاب کارهای خلاف در همه‌ی سطوح و طبقات، مورد بررسی قرار می‌گیرد و محقق نشان می‌دهد که آنومی در جامعه‌ی تهران تحت تأثیر رشد سریع اقتصادی، پیدایش ثروت‌های ناگهانی، شکاف شدید طبقاتی، آرزوهای بی‌حد، از هم پاشیدگی هنجارهای سنتی و عدم امکان ارضای نیازهای نامحدود، آشفتگی اجتماعی ایجاد می‌کند که باعث تضعیف هنجارها و ارزش‌های رسمی می‌گردد. در این تحقیق، نشان داده می‌شود که گرایش به شکستن هنجارهای رسمی بیش از هنجارهای غیررسمی است و افراد تحصیل کرده بیش از گروه‌های دیگر دچار حالت آنومیک هستند. در پایان، ممتاز (همان) نتیجه می‌گیرد که در این اثر، با

تناقض‌های یک جامعه‌ی در حال توسعه به‌خوبی آشنا می‌شویم و درعین حال کاربرد نظریه‌ی مرتون را در زمان معاصر در جامعه‌ای غیر از امریکا می‌بینیم؛ که البته نویسنده معتقد است شرایط متفاوتی با جامعه‌ی امریکایی دارد. با این همه، کوشش شده است تا با تلفیق چند نظریه بر مبنای تحقیقات تجربی یعنی نظرخواهی از مردم تهران نشان داده شود که چه رابطه‌ای میان دست‌یابی به موفقیت به‌خصوص موفقیت مالی و فقدان راه‌های قانونی و در نتیجه، توسل به انحراف وجود دارد.

رفیع‌پور (پیشین) در قسمت نتیجه‌گیری پژوهش خود، مواردی را ذکر می‌کند که خلاصه‌ی آن از این قرار است: در هنجارهای رسمی، عدم رعایت قواعد و هنجارها بسیار گسترده است. در هنجارهای غیررسمی (سنتی)، مانند هنجارهای مربوط به مراسم ازدواج یا دیگر آداب و رسوم قدیمی، میزان رعایت هنجارها بسیار زیاد است.

اکثر متغیرهای اصلی نظریه‌های مورد بررسی و اکثر فرضیه‌ها تأیید شدند، متغیر «ارزیابی ذهنی از وضعیت اقتصادی» موجب عدم «دست‌یابی به اهداف می‌شود و این وضعیت برای عده‌ای «غیرقابل تحمل» می‌باشد. بالأخص آنان که «امید به آینده» ندارند بیش‌تر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. این عوامل، خود، بر روی متغیر «اعتماد اجتماعی» و متغیر «ملاحظات اجتماعی» تأثیر منفی برجای می‌گذارند. کاهش اعتماد اجتماعی و ملاحظات اجتماعی در کنار عوامل دیگر بر روی رفتار آنومیک و عدم تمایل به پیروی از هنجارها مؤثر می‌باشند. متغیر «پای‌بندی‌های مذهبی» بالاترین تأثیر را بر روی «اعتماد» و «ملاحظات» نشان داده است؛ یعنی، با کاهش پای‌بندی مذهبی، میزان اعتماد اجتماعی و ملاحظات اجتماعی کم و آشفتگی اجتماعی بیش‌تر می‌شود. متغیرهای «سیستم کنترل پلیس» و «دستگاه قضایی» از نظر پاسخ‌گویان، فاقد کارکرد مناسب هستند. متغیر «احساس نابرابری اقتصادی اجتماعی» بر روی اعتماد اجتماعی و ملاحظات و رفتار آنومیک تأثیر بسیار قوی دارد. متغیر «تحصیلات» یک رابطه‌ی قوی و مثبت با وضعیت مالی و دست‌یابی به اهداف دارد؛ یعنی، افراد تحصیل‌کرده در تهیه‌ی منابع مالی و ارضای نیازهای‌شان مشکلات کم‌تری دارند و در نتیجه، به اهداف خود بیش‌تر دست یافته‌اند. نکته‌ی مهم این است که متغیر «تحصیلات» با متغیرهای رفتار آنومیک رابطه‌ی معنی‌داری مثبتی ندارد؛ بلکه حتی رابطه‌ای در جهت منفی؛ اما بدون معنی‌داری دارد؛ یعنی، با بالارفتن سطح تحصیلات، میزان اعتماد به سیستم و پای‌بندی‌های مذهبی و رعایت هنجارهای سنتی کاهش می‌یابد و روی رفتار آنومیک بی‌تأثیر است؛ یعنی، نه موجب کاهش و نه موجب افزایش آن می‌گردد.

هم‌چنین، نظر برخی از جامعه‌شناسان ایرانی درباره‌ی مفهوم آنومی و شرایط آنومی در جامعه‌ی ایران، قابل بررسی است. برخی از این صاحب‌نظران، شرایط جامعه‌ی ایران (به نقل از بنی‌یعقوب و غائب، ۱۳۸۳) را دچار نوعی آنومی و برخی دیگر فاقد آنومی قلمداد می‌کنند. کسانی که جامعه‌ی ایران را دچار آنومی می‌بینند، در تعریف آنومی آن را وضعیتی که قوانین و مقررات مشخصی در محدوده‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وجود ندارد در نظر می‌گیرند و کسانی که جامعه‌ی ایران را فاقد آنومی می‌بینند، آنومی را حالت از بین رفتن هنجارهای مطلوب اجتماعی تعریف می‌کنند و معتقدند در این وضعیت، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مورد تهدید قرار گرفته و جامعه فاقد ارزش‌ها و هنجارهای راهنما می‌گردد.

بعد از مرور دیدگاه‌های صاحب‌نظران ایرانی درباره‌ی آنومی در ایران، به بررسی پی‌آمدهای آنومی در جامعه که شامل انحرافات نظیر خودکشی، اعتیاد، پرخاشگری و... است تحت عنوان «آسیب‌شناسی اجتماعی» در ایران توجه می‌کنیم. حاصل این پژوهش‌ها (به نقل از سخاوت، ۱۳۸۳؛ موسی‌نژاد، ۱۳۸۳) به‌طور خلاصه از این قرار است: درباره‌ی علل شیوع مواد مخدر در ایران، مهم‌ترین عوامل شامل: کنجکاو، کسب لذت، مشکلات خانوادگی و اجبار دوستان می‌باشد. هم‌چنین عوامل اجتماعی مؤثر در گرایش نسل جوان به مواد مخدر در سطح کلان، عدم تناسب تکامل فنی جامعه با رشد معنوی آن و فقر و شکاف طبقاتی ذکر شده است. در سطح میانه، وجود خرده فرهنگ‌ها و شکاف نسل‌ها و در سطح خرد، ضعف اعتقادات مذهبی و بحران هویت نسل جوان، مهم تلقی می‌گردد.

پژوهش حاضر، بعد از پژوهش رفیع‌پور، دومین پژوهشی است که به‌طور میدانی درباره‌ی آنومی در کشور انجام گرفته است.

روش

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی و علی است. در پژوهش حاضر فقط به عوامل سطح کلان و بررسی میزان پتانسیل آنومی در جامعه‌ی کرمانشاه توجه شده و از بررسی عوامل در سطح متوسط و خرد (گروه و خانواده و تحقیق درباره‌ی تبه‌کاران و هنجارشکنان و بررسی عوامل تبه‌کاری و هنجارشکنی) صرف نظر گردیده است.

ابزار پژوهش

متغیرهای مطرح شده در پژوهش، به‌طور سیستماتیک به معرف‌ها و سؤالات مناسب

برگردانیده و در قالب یک پرسشنامه‌ی تخصصی تنظیم شده است. این کار توسط دکتر فرامرز رفیع‌پور انجام یافته و پرسشنامه‌ی تنظیمی در شهر تهران در سال ۱۳۷۸ به اجرا در آمده است پرسشنامه مذکور در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. حجم نمونه تحقیق با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر برآورد شده است که به صورت چند مرحله‌ای نمونه‌ها انتخاب شده‌اند.

یافته‌ها

الف) پتانسیل آنومی در شهر کرمانشاه

۱-۲-۵- هنجارهای رسمی

جدول شماره ۱: میانگین گویه‌های هنجارهای رسمی

میانگین گویه	معرفها	متغیرهای مورد بررسی
۱/۶۲	عمل کردن به دستور مسئولان	هنجارهای رسمی
۱/۱۰	ثبات قانون و پیروی از آن	
۱	اجرای قانون به‌طور یکسان در مورد همه	
۰/۹۶	قانون به نفع فقرا	
۱/۳۲	گرفتن پول برای ثبت‌نام در مدارس دولتی	
۱/۵۲	معافی سربازی برای کسانی که ضوابط دارند	
۲	مجازات‌شدن در صورت فرار از سربازی	
۰/۹۱	راه نیفتادن کار با پول‌دادن در شهرداری	
۱/۲۴	بیمارستان‌های دولتی بدون پارتنی	
۰/۹۷	دادن داروهای نایاب به همه در داروخانه‌ها	
۱	گرفتن حق با پارتنی در ادارات	
۱/۱	داشتن ضوابط برای استخدام در ادارات	
۱/۲۶	حل مشکل در ادارت بدون دادن رشوه	
۱/۱۲	زود راه‌انداختن کار آدمی در ادارات	
۱/۸۰	عمل کردن کارمندا به دستور رئیس‌شان در ادارات	

جدول مذکور نشان می‌دهد که در زمینه‌ی هنجارهای رسمی، بالاترین آنومی مربوط به «پرداخت رشوه در شهرداری»، «فایده‌ی بیش‌تر قانون برای ثروتمندان»، «ندادن

داروهای نایاب به همه در داروخانه‌ها» و «ناتوانی در گرفتن حق، بدون داشتن پارتی» است. این عدم رعایت هنجارها در حد «زیاد» است.

۲-۲-۵- هنجارهای نیمه رسمی

جدول شماره ۲: میانگین گویه‌های هنجارهای نیمه رسمی

۱/۵۴	انجام نشدن معاملات ممنوع	هنجارهای نیمه رسمی
۱/۶۶	دادن جنس کوپنی به همه توسط بقالها	
۰/۹۷	دادن داروهای نایاب به همه در داروخانه‌ها	
۱/۸۳	نیامدن ماشین در خیابان‌های یک‌طرفه از طرف مقابل	
۱/۵۳	رانندگی نکردن موتور سیکلت‌ها در پیاده‌رو	
۱/۷۵	توجه مردم به چراغ قرمز	

با مشاهده‌ی جدول مذکور، درمی‌یابیم که در زمینه‌ی هنجارهای نیمه رسمی، بالاترین آنومی به «ندادن داروهای نایاب به همه در داروخانه‌ها» مربوط است. عدم رعایت هنجار در این جا نیز در حد «زیاد» است تا جایی که برای مردم به یک امر عادی، تبدیل شده است.

۳-۲-۵- هنجارهای غیررسمی

جدول شماره ۳: میانگین گویه‌های هنجارهای غیررسمی

میانگین گویه	گویه‌ها	معرف‌ها	متغیرهای مورد بررسی
۳/۵۶	عزاداری ایام عاشورا	هنجارهای قدیمی	هنجارهای غیررسمی
۳/۱۳	خواندن خطبه‌ی عقد توسط یک روحانی		
۳	پوشیدن لباس سیاه در عزا		
۲/۵۵	مهریه بدون توجه به مبلغ		
۱/۷	انتخاب عروس توسط پدر و مادر داماد		
۱	به توالی فرنگی رفتن		
۰/۶۸	زندگی مشترک بدون ازدواج		
۱/۸۶	همیشه در صف اتوبوس نوبت رعایت می‌شود	هنجارهای جدید	
۲/۵	در اتوبوس جوان‌ترها جای‌شان را به مسن‌ترها می‌دهند		
۲/۳	در صف نان نوبت کاملاً رعایت می‌شود		
۱/۹۷	اگر در جاده ماشین خراب شود همه کمک می‌کنند		

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که در زمینه‌ی هنجارهای غیررسمی قدیمی، کم‌ترین رعایت هنجارها به «زندگی مشترک بدون ازدواج» و «رفتن به توالی فرنگی» مربوط

است. عدم رعایت هنجارها در این دو مورد در حد «زیاد» است. هم‌چنین در زمینه‌ی هنجارهای غیررسمی خودجوش (جدید) بالاترین آنومی به «رعایت نوبت در صف اتوبوس» مربوط است.

ب) شرایط و زمینه‌های بروز آنومی در شهر کرمانشاه

جدول شماره ۴: میانگین گویه‌های شرایط و زمینه‌های آنومی

متغیر مورد بررسی	گویه‌ها	میانگین گویه	
تغییر آنومی	مقایسه خود با دیگران و احساس محرومیت	۱/۷۹	
	ارزیابی وضعیت اقتصادی خانواده‌ی خود	۲	
	میزان موفقیت در دست‌یابی به اهداف زندگی	۱/۸۴	
	قابل تحمل بودن وضعیت	۲	
	امید به آینده	۲/۱۶	
	اعتماد اجتماعی	زیاد شدن اعتماد مردم نسبت به یکدیگر	۰/۸
		زیاد شدن اعتماد مردم نسبت به مسئولین	۱/۴
	ملاحظات اجتماعی	مردم به فکر دیگران هستند	۰/۸
		ترجیح انسانیت و شخصیت به پول	۱/۳۵
		گلیم خود را از آب بیرون کشیدن	۰/۷۴
	مذهب (عامل بازدارنده)	ترجیح دین به پول	۲
		افزایش پای‌بندی مذهبی مردم	۱/۲
		افزایش علاقه به روحانیت	۱/۴
	رضایت از زندگی	رضایت شغلی	۱/۹۳
		رضایت از همسر	۳/۳۳
رضایت از زندگی		۲/۴	
سیستم کنترل و نظارت (ر)	برخورد قاطع پلیس با بی‌نظمی	۱/۸۷	
	رعایت قواعد رانندگی توسط پلیس	۱/۹۶	
	کمک فوری پلیس در مواقع ضروری	۲	
	زود آمدن پلیس در تصادف ماشین‌ها	۱/۷۰	
	جریمه‌ی پلیس برای پارک خلاف	۲/۷	
	جریمه‌ی پلیس برای عبور خلاف از خیابان یک‌طرفه	۲/۳	
	سنگین بودن جریمه‌ی پلیس	۲/۶	
سایر دستگاه‌های کنترل‌کننده‌ی نظم اجتماعی	مجازات کسی که در اداره دزدی کند	۱/۸	
	گرفتن حق بدون پارتی	۰/۸۱	
	گرفتن حق خود در دادگاه توسط آدم فقیر	۱/۲۵	

جدول بالا نشان می‌دهد که درباره‌ی شرایط و زمینه‌های بروز آنومی در شهر کرمانشاه، بیش‌ترین آنومی به «گلیم خود را از آب بیرون کشیدن (عدم وجود ملاحظات اجتماعی)»، «عدم اعتماد مردم نسبت به یکدیگر»، «به فکر دیگران نبودن مردم» و «گرفتن حق با پارتی» اختصاص دارد.

ج) رفتار آنومیک در پاسخگویان

جدول شماره ۵: میانگین گویه‌های رفتار آنومیک

متغیر مورد بررسی	گویه‌ها	میانگین گویه در پژوهش حاضر
رفتار آنومی در پاسخگویان	رعایت قوانین موجب عقب ماندن در زندگی است	۲
	بدون پارتی که کار اصلاً راه نمی‌افتد	۱/۳۳
	توی این شرایط، هر کس حق خودش را می‌گیرد	۱/۸۴
	مجبورم آن‌طور که ریسم می‌خواهد صحبت کنم	۱/۶۲
	اگر یک ساعت برای‌شان کار کنم سرم کلاه رفته است	۲/۴
	اگر قوانین ترافیک را رعایت کنم، سرم کلاه رفته است	۳/۱۷
	هر چه می‌خواهم به قول‌هایم عمل نمی‌توانم	۲/۲۲

جدول شماره ۵ می‌دهد که در زمینه‌ی رفتارهای آنومیک در پاسخ‌گویان، بیش‌ترین آنومی به گویه‌های «بدون پارتی که کار اصلاً راه نمی‌افتد» و «مجبورم آن‌طور که ریسم می‌خواهد صحبت کنم» مربوط است.

تفسیر رابطه بین متغیرها تفسیر رابطه‌ی دو متغیری

- رابطه‌ی بین خصوصیات پاسخ‌گویان با متغیرهای کلیدی «هدف»، «تحمل» و «امید به آینده»

از بین خصوصیات پاسخ‌گویان متغیرهای رضایت از زندگی، رضایت از همسر، رضایت از شغل، احساس محرومیت و ارزیابی وضعیت اقتصادی با هر سه متغیر کلیدی «هدف»، «تحمل» و «امید به آینده» دارای رابطه‌ی معنی‌دار بودند. هم‌چنین متغیر تحصیلات فقط با متغیر هدف، متغیر هزینه با متغیرهای «هدف» و «آینده» و متغیر رضایت از همسر فقط با متغیر «هدف» دارای رابطه‌ی معنی‌دار بوده است.

نتیجه‌ی این روابط در پژوهش حاضر چنین است که هر چه افراد از زندگی، همسر و شغل خود رضایت کم‌تری داشته باشند و در مقایسه با دیگران، احساس محرومیت نموده و وضعیت اقتصادی خود را بدتر ارزیابی می‌کنند، آن‌گاه احساس می‌نمایند که به اهدافشان نرسیده، وضعیت برای‌شان قابل تحمل نیست و به آینده امید ندارند. همچنین هرچه تحصیلات کم‌تر بوده و هزینه‌ی (مخارج) ماهیانه‌ی خانوار کم‌تر باشد احساس این که به اهدافشان نرسیده و به آینده نیز امید ندارند شدیدتر است. ملاحظه‌ی نتایج فوق نشان می‌دهد که متغیرهای مربوط به شرایط آنومی (دست نیافتن به هدف، غیرقابل تحمل بودن وضعیت و امید نداشتن به آینده) در چه افرادی منظور ویژگی‌های پاسخ‌گویان می‌باشد) قابل ملاحظه است.

رابطه‌ی بین متغیرهای مربوط به شرایط آنومی با متغیرهای «اعتماد اجتماعی» و «ملاحظات اجتماعی»

در این قسمت به بررسی رابطه‌ی دو متغیری بین هر یک از متغیرهای کلیدی با گویه‌ی «اعتماد مردم نسبت به مسئولین» (به‌عنوان متغیر اعتماد اجتماعی) و با گویه‌ی «این روزها من باید سعی کنم گلیم خودم را از آب بیرون بکشم» (به‌عنوان متغیر ملاحظات اجتماعی) می‌پردازیم.

نتایج از آن حکایت دارند که: ۱- هر چه امید به آینده کم‌تر، احساس دستیابی به اهداف ضعیف‌تر و تحمل وضعیت کم‌تر باشد، آن‌گاه ملاحظات اجتماعی کم‌تر است. ۲- هرچه احساس دستیابی به اهداف ضعیف‌تر و امید به آینده کم‌تر باشد، اعتماد اجتماعی ضعیف‌تر است.

رابطه‌ی بین خصوصیات پاسخ‌گویان با متغیرهای اعتماد و ملاحظات

نتایج این قسمت نشان می‌دهد که: ۱- هرچه سن افراد بیش‌تر باشد، ملاحظات اجتماعی آن‌ها بیش‌تر خواهد شد. ۲- هرچه میزان تحصیلات فرد بالاتر باشد، ملاحظات اجتماعی وی بیش‌تر است. ۳- هرچه فرد خود را از حیث وضعیت اقتصادی بهتر ببیند، اعتماد اجتماعی او بیش‌تر و در مقابل، ملاحظات اجتماعی او کم‌تر خواهد شد. نکته‌ی قابل توجه آن است که در بین خصوصیات پاسخ‌گویان، بالأخص وضعیت اقتصادی، با ملاحظات اجتماعی رابطه‌ی معنی‌دار و منفی برقرار است.

رابطه‌ی متغیرهای «هدف»، «تحمل»، «امید»، «اعتماد» و «ملاحظات» با رفتار

آنومیک

مشاهده‌ی نتایج این قسمت، گویای آن است که بین متغیرهای مربوط به شرایط

آنومی (متغیرهای کلیدی) از یک طرف و متغیرهای اعتماد اجتماعی و ملاحظات اجتماعی با رفتار آنومیک یک رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد.

- رابطه‌ی پای‌بندی‌های مذهبی (عوامل بازدارنده) با «اعتماد»، «ملاحظات» رفتار آنومیک (گویه‌ی پیروی از قانون) در این جا به‌منظور صرفه‌جویی در زمان و تشابه نتایج، منظور از رفتار آنومیک فقط گویه‌ی «رعایت قوانین موجب عقب‌ماندن در زندگی است» (پیروی از قانون) می‌باشد.

ملاحظه‌ی نتایج این بخش نشان داد که هر چه اعتقاد و پای‌بندی نسبت به مذهب کاهش یابد، اعتماد به مسئولین کاهش و میزان رفتار آنومیک افزایش می‌یابد. این رابطه بین پای‌بندی‌های مذهبی با ملاحظات اجتماعی مورد تأیید قرار گرفته است.

- رابطه بین پای‌بندی‌های مذهبی با «تحمل» و «امید»

نتایج این قسمت نشان داد که حفظ پای‌بندی‌های مذهبی، موجب افزایش امید به آینده و نیز قابل تحمل شدن وضعیت اقتصادی می‌گردد.

- رابطه خصوصیات پاسخ‌گویان با رفتار آنومیک (متغیر پیروی از قانون)

نتایج این قسمت نشان داد که رضایت از شغل، رضایت از زندگی و رضایت از همسر می‌تواند موجب رعایت و پیروی از قانون شود. نکته‌ی قابل توجه این‌که در پژوهش رفیع پور نیز صرفاً رابطه‌ی بین سه نوع رضایت (شغل، زندگی و همسر) با رفتار آنومیک (متغیر پیروی از قانون) مورد تأیید قرار گرفته است.

- رابطه‌ی سیستم کنترل با متغیرهای «اعتماد»، «ملاحظات» و «آنومی»

نتایج این قسمت حاکی از آن بود که تمامی گویه‌های مورد نظر برای سیستم کنترل (هفت گویه) به جز یک گویه (جریمه‌ای که پلیس می‌کند خیلی سنگین است) با متغیرهای «اعتماد» و «رفتار آنومی» رابطه داشتند؛ اما تنها یک گویه از گویه‌های سیستم کنترل (برخورد قاطع پلیس با بی‌نظمی) با متغیر «ملاحظات» رابطه داشت (این رابطه در جهت منفی است).

- رابطه‌ی احساس نابرابری اجتماعی - اقتصادی با متغیرهای «اعتماد»،

«ملاحظات» و «رفتار آنومیک»

نتایج نشان داد که یک همبستگی قوی بین متغیر نابرابری با متغیر «اعتماد» و «رفتار آنومیک» وجود دارد؛ اما رابطه‌ی بین متغیر نابرابری با متغیر «ملاحظات» مورد تأیید قرار نگرفت؛

- روابط با هنجارهای غیررسمی

- رابطه‌ی بین متغیرهای سن، تحصیلات، هزینه، تحمل، هدف و امید با دو هنجار غیررسمی، دارای میانگین بزرگ‌تر از ۳/۵ و کوچک‌تر از ۱.

نتایج نشان داد که بین هیچ کدام از متغیرهای سن، تحصیلات، هزینه، تحمل، هدف و امید با دو هنجار غیررسمی (عزاداری ایام عاشورا و زندگی مشترک بدون ازدواج) رابطه‌ای وجود نداشت. معنای این نتیجه، تلویحاً آن است که نسبت به این دو گویه از گویه‌های هنجارهای غیررسمی در بین افرادی با سنین متفاوت، تحصیلات، هزینه، میزان متفاوت تحمل وضعیت، میزان متفاوت موفقیت در رسیدن به اهداف زندگی و داشتن اندازه‌های متفاوت امید نسبت به آینده، اختلافی ملاحظه نشد و همگان بر سر هنجار بودن یکی (عزاداری ایام عاشورا) و ناهنجار بودن دیگری (زندگی مشترک بدون ازدواج) توافق نظر بسیار زیادی داشتند.

- رابطه‌ی بین تحصیلات پاسخ‌گویان با متغیرهای کلیدی (هدف، تحمل، آینده)، پای‌بندی مذهبی، اعتماد، ملاحظات و رفتار آنومیک

نتایج مربوط به این قسمت حاکی از آن بود که متغیر تحصیلات با متغیرهای هدف، امید و ملاحظات دارای رابطه‌ی معنی‌دار مثبت و با دو گویه‌ی پای‌بندی (ترجیح دین به پول، زیاد شدن پای‌بندی مذهبی مردم) دارای رابطه‌ی منفی است؛ هم‌چنین متغیر تحصیلات با رفتار آنومیک (گویه‌ی پیروی از قانون) رابطه‌ی معنی‌داری را نشان نداد.

تفسیر رگرسیون چند متغیره

در این قسمت به بررسی تأثیر مهم‌ترین متغیرها (شرایط آنومی و خصوصیات پاسخ‌گویان) به‌طور هم‌زمان و یک‌جا بر روی رفتار آنومی (مركب از هفت گویه) پرداخته شد.

نتایج این قسمت حاکی از آن بود که متغیرهای مستقل، تنها قادر به تبیین ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (گویه پیروی از قانون) بودند و در بین متغیرهای مستقل، تنها متغیر «به کمک آمدن فوری پلیس در مواقع ضروری» در رگرسیون تأثیر معنادار داشته و به‌عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر «پیروی از قانون» شناخته شد.

معنی این رابطه آن است که هر چه پلیس (مثلاً پلیس ۱۱۰) در مواقع ضروری سریع‌تر در محل حاضر بشود، موجب پیروی بیشتر مردم از قانون می‌شود، و این نتیجه قابل تأملی است.

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که: آنومی (عدم رعایت هنجارها) بالأخص، در زمینه‌ی هنجارهای رسمی، در شهر کرمانشاه گسترده‌تر از آنومی نسبت به هنجارهای نیمه‌رسمی و هنجارهای غیررسمی است. به عبارت دیگر، آنومی، بیش‌تر شامل هنجارهای رسمی و پس از آن هنجارهای نیمه‌رسمی است و هنجارهای غیررسمی کم‌ترین میزان آنومی را دربردارند. هم‌چنین در بین پاسخ‌گویان، میزان تمایل به آنومی (رفتار آنومیک) در حد متوسطی قرار دارد. بدین ترتیب میانگین کلیه‌ی گویه‌های مربوط به هنجارهای رسمی (۱/۲) میانگین، هنجارهای نیمه‌رسمی (۱/۵) میانگین و میزان تمایل به آنومی در بین پاسخ‌گویان (۲) میانگین و تمایل آنان به هنجارهای غیررسمی (۲/۲) می‌باشد.

در زمینه‌ی هنجارهای رسمی، بالاترین آنومی مربوط به «پرداخت رشوه در شهرداری»، «فایده‌ی بیش‌تر قانون برای ثروتمندان»، «پارتی‌بازی در دادن داروهای کم‌یاب به آشنایان» و «ناتوانی در گرفتن حق، بدون داشتن پارتی» بود. این عدم رعایت هنجارها در حد «زیاد» است تا جایی که، برای مردم به یک امر عادی، یعنی «متاستاز» اجتماعی، تبدیل شده است.

در زمینه‌ی هنجارهای نیمه‌رسمی، بالاترین آنومی به «ندادن داروهای نایاب به همه در داروخانه‌ها» مربوط است. عدم رعایت هنجار در این‌جا نیز در حد «زیاد» است تا جایی که برای مردم به یک امر عادی، تبدیل شده است.

در زمینه‌ی هنجارهای غیررسمی، کم‌ترین عدم رعایت هنجارها به «زندگی مشترک بدون ازدواج» و «رفتن به توالت فرنگی» مربوط است. عدم رعایت هنجارها در این دو مورد در حد «زیاد» است.

اغلب متغیرهای مربوط به شرایط آنومی که بر مبنای چارچوب تئوریک مورد مطالعه قرار گرفتند، رابطه‌شان با یکدیگر و با رفتار آنومیک مورد تأیید قرار گرفت. ابتدا، ارزیابی ذهنی از «وضعیت اقتصادی» روی سه متغیر کلیدی (هدف، تحمل وضعیت و امید به آینده) تأثیر داشت؛ یعنی، ارزیابی منفی پاسخ‌گویان از وضعیت اقتصادی خانواده‌ی خود، موجب عدم دستیابی به اهداف می‌شد و این وضعیت برای این افراد «غیرقابل تحمل» بود و به‌ویژه کسانی که «امید به آینده» نداشتند بیش‌تر تحت تأثیر قرار می‌گرفتند.

این سه متغیر اخیر، به نوبه‌ی خود بر روی کاهش «اعتماد اجتماعی» (منظور کاهش اعتماد مردم به مسئولین) و کاهش «ملاحظات اجتماعی» تأثیر داشتند. تنها رابطه‌ای که در این قسمت مورد تأیید قرار نگرفت، رابطه‌ی بین «تحمل وضعیت» با «اعتماد اجتماعی» بود. یعنی داشتن تحمل کم یا زیاد، تأثیری در اعتماد اجتماعی (مردم نسبت به مسئولین) نداشت.

کاهش اعتماد و ملاحظات در کنار عوامل دیگر، بر روی برخی گویه‌های رفتار آنومیک تأثیر می‌گذارد.

هم‌چنین تأثیر پای‌بندی‌های مذهبی به‌عنوان یکی از عوامل بازدارنده‌ی مهم آنومی بر اعتماد اجتماعی (نسبت به مسئولین) و تمایل به آنومی محرز بود. معنی این مطلب آن است که با کاهش پای‌بندی‌های مذهبی، میزان اعتماد اجتماعی کم و آشفتگی اجتماعی (آنومی) بیش‌تر خواهد شد. البته این رابطه بین پای‌بندی‌های مذهبی و ملاحظات اجتماعی به تأیید نرسید؛ یعنی، افزایش یا کاهش پای‌بندی‌های مذهبی، تأثیری در افزایش یا کاهش ملاحظات اجتماعی نداشت.

متغیرهای مربوط به سیستم کنترل پلیس و دستگاه قضایی نیز همبستگی‌های معنی‌دار نشان می‌دهند؛ یعنی، عدم کارکرد مناسب این دو سیستم، موجب کاهش اعتماد اجتماعی نسبت به مسئولین) و افزایش تمایل به آنومی در جامعه می‌شود.

متغیرهای سیستم کنترل پلیس و دستگاه قضایی (به جز یک گویه، برخورد قاطع پلیس با بی‌نظمی رابطه‌ای با ملاحظات اجتماعی نشان نداد.

عامل مهم دیگری که همبستگی بسیار قوی با متغیرها دارد، احساس وجود نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی است که بر روی اعتماد اجتماعی و هم‌چنین تمایل به رفتار آنومیک تأثیر بسیار قوی دارد. البته رابطه‌ی بین متغیر نابرابری با «ملاحظات اجتماعی، مورد تأیید قرار نگرفت.

در رابطه‌ی بین خصوصیات پاسخ‌گویان (متغیرهای سن، تحصیلات و هزینه) و متغیرهای تحمل، هدف و امید با سایر متغیرهای اصلی همبستگی معنی‌داری ملاحظه نشد. مدت زمان اقامت در کرمانشاه نیز به‌عنوان معرف میزان تطبیق یا عدم تطبیق با هنجارها در نظر گرفته شد، با این فرضیه که کسانی که از شهرهای کوچک و روستاها به مرکز استان مهاجرت می‌کنند، احتمال دارد کم‌تر از هنجارهای موجود پیروی نمایند؛ اما این متغیر با متغیرهای اصلی رابطه‌ی معنی‌داری نشان نمی‌دهد.

هم‌چنین متغیر میزان تحصیلات دارای یک رابطه‌ی منفی با هنجارهای مذهبی است و بین میزان تحصیلات با رفتار آنومیک رابطه‌ای وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که اغلب نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش رفیع‌پور، هم‌خوانی دارد، در این قسمت با وی هم‌داستان می‌شویم که شرایط آنومی در جامعه‌ی کرمانشاه (مانند تهران) قوی به‌نظر می‌رسد و لذا قابل پیش‌بینی است که در صورت عدم انجام اقدامات ریشه‌ای، روند آشفتگی‌های اجتماعی روبه افزایش خواهند بود. دلایل این امر را می‌توان به روند مدرنیزاسیون در کشور مربوط دانست که طی آن از یک سو بالا رفتن تورم موجب کاهش توان مالی افراد جامعه گردید و از سوی دیگر افزایش تبلیغات و واردات، موج شدیدی از نیازآفرینی را در افراد پدید آورده است.

نتیجه‌ی چنین شرایطی، ارزشمند شدن پول و مادیات و تضعیف ارزش‌های مذهبی و انقلابی در جامعه گردیده است. بنابراین، از یک سو با ورود ارزش‌ها و نیازهای جدید، سطح نیازها افزایش یافته و از سوی دیگر، امکان دست‌یابی به این ارزش‌های جدید محدود گردیده است. در این شرایط مذهب می‌تواند نقش مثبتی در دوری جستن انسان‌ها از اهداف و آرزوهای بی‌حد و مرز مادی داشته باشد؛ اما با تضعیف ارزش‌های مذهبی، توجهات مذهبی کارکرد خود را از دست خواهند داد و انسان‌ها کم‌وبیش سراسیمه و با حرص و ولع به دنبال دست‌یابی به اهداف مادی تحمیل‌شده می‌دوند.

در این آشفته بازار «ملاحظات یکدیگر» امری فرعی می‌گردد و فداکاری و گذشت از بین می‌رود، بنابراین، بایستی با شناسایی علل و عوامل چنین وضعیتی، جلو گسترش آنومی در جامعه را گرفت.

منابع:

- ۱- آخوندی، محمود (۱۳۸۳)؛ *پرخاشگری و جنایت*، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران خرداد (۱۳۸۱)؛ جلد سوم، تهران: انتشارات آگه.
 - ۲- بنی‌یعقوب، ترانه و غایب، فریده (۱۳۸۱)؛ «گسست نسل‌ها یا فروپاشی، گفت‌وگو با دکتر محمدتقی آزادارمکی»، *نشریه‌ی فرهنگ و پژوهش*، شماره‌ی پیاپی ۹۲، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۹.
 - ۳- بیرو، آلن (۱۳۶۶)؛ *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
 - ۴- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۱)؛ *مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، مشهد: نشر مرن‌دی.
 - ۵- رابرتسون، یان (۱۳۷۲)؛ *درآمدی بر جامعه*، ترجمه‌ی حسین بهروان، مشهد: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
 - ۶- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)؛ *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، تهران: انتشارات سروش.
 - ۷- سخاوت، جعفر (۱۳۸۳)؛ *اعتیاد و قاچاق مواد مخدر*، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد (۱۳۸۱)؛ جلد دوم، تهران: انتشارات آگه.
 - ۸- شلویری، گلرخ و پولادی، محمدعلی (۱۳۸۳)؛ *پرخاشگری و جنایت*، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران خرداد (۱۳۸۱)؛ جلد سوم، تهران: انتشارات آگه.
 - ۹- شمس‌خرم‌آبادی، منوچهر (۱۳۸۳)؛ *خودکشی*، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران خرداد ۱۳۸۱؛ جلد چهارم، تهران: انتشارات آگه، صص ۱۰۹-۱۳۷.
 - ۱۰- صفوی، امانا... (۱۳۷۰)؛ «تئوری‌های انحراف»، *مجله‌ی رشد علوم اجتماعی*، تهران: شماره‌های ۶ و ۷، صص ۲۲-۲۷، شماره ۸، صص ۲۲-۳۱ و شماره ۹، صص ۵۴-۵۹.
 - ۱۱- کوئن، بروس (۱۳۷۰)؛ *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.
 - ۱۲- مشکاتی، محمدرضا و مشکاتی، زهرا سادات (۱۳۸۳)؛ *پرخاشگری و جنایت*، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران خرداد (۱۳۸۱)؛ جلد سوم، تهران: انتشارات آگه.
 - ۱۳- ممتاز، فریده (۱۳۷۱)؛ *جزوه‌ی جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
 - ۱۴- _____ (۱۳۸۱)؛ *انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 - ۱۵- موسی‌نژاد، علی (۱۳۸۳)؛ *اعتیاد و قاچاق مواد مخدر*، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران خرداد (۱۳۸۱)؛ جلد دوم، تهران: انتشارات آگه.
- 16- Crothers, Charles (1987); *Key Sociologists, Robert K. Merton*, England: Ellisshorwood limited.